

سخن نخست

کتاب سفر به آینده دورنمای ۱۳۹۳ به بحث مهم چشم‌انداز شغلی و برنامه‌ریزی شغلی می‌پردازد؛ مبحثی که در شرایط فعلی، بسیار مهم و مورد نیاز کشور و بویژه جوانان است. به منظور معرفی کتاب برای خوانندگان، نشستی با حضور مدیران مراکزی که از تولید و انتشار کتاب حمایت کرده‌اند، ترتیب داده شد، تا موضوع کتاب و اهمیت و نیز دلایل حمایت از آن مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد. آنچه در اینجا می‌خوانید خلاصه‌ای از گفتگوهای مطرح شده در این نشست است.

• قبل از هرچیز به نام کتاب می‌پردازیم: «سفر به آینده؛ دورنمای ۱۳۹۳»؛ چرا این عنوان انتخاب شده است؟

- به طور معمول رسم است صاحب‌نظران در حوزه‌های مختلف، در آغاز یا پایان هر سال مجموعه‌ای از آخرین مطالعات و پیش‌بینی‌های انجام شده در حوزه مورد نظر را گردآوری و تحت عنوان «دورنما» منتشر می‌کنند. این کتاب‌ها که در واقع جدیدترین چشم‌انداز آن‌ها را نشان می‌دهند، در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های بلندمدت مورد استفاده قرار می‌گیرند. در کتاب «دورنمای ۱۳۹۳» هم سلسله بحث‌هایی درباره مشاغل و مهارت‌های آینده مطرح شده است؛ در واقع‌گویی به آینده سفر کرده‌ایم.

o به نظر من سفر به آینده یا دورنمای آینده یا نظایر این‌ها، مفاهیمی متناظر با

آینده‌اندیشی هستند. آینده‌اندیشی بیشتر به یک فعالیت پژوهشی شبیه است تا یک رشته علمی تمام‌عیار. آینده‌اندیشی قلمرو وسیعی است درست مثل همه عرصه‌های معرفت نظری و عملی و نتایج حاصل از آن می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای در هر یک از این عرصه‌ها داشته باشد.

• من فکر می‌کنم وقتی بحث آینده مطرح شود، همه به آن علاقه‌مند هستند. آینده مساله‌ای است که همه ما به نوعی درگیر آن هستیم و می‌خواهیم برای آن برنامه‌ریزی کنیم. حال اینکه آینده چگونه است و یا قرار است ما در آینده چه کاری انجام دهیم، چندان روشن نیست. آینده ذاتاً دارای ابهام است و عدم قطعیت‌های زیادی درباره آینده وجود دارد، اما قبل از آنکه به موضوع اصلی کتاب اشاره کنیم به نظر بهتر است هدف خود را از نگاه به آینده بیان کنیم. آیا می‌خواهیم آینده را پیش‌بینی کنیم؟ یا بحث ما این است که چه آینده‌هایی احتمالاً وجود خواهد داشت تا بتوانیم از میان آن‌ها یکی را که به نظرمان بهتر می‌آید انتخاب کنیم و یا نه، می‌خواهیم آینده را بسازیم؟ پرسش این است که با توجه به این همه آشفتگی و ابهامی که درباره آینده وجود دارد چگونه می‌توانیم آینده بهتری داشته باشیم؟

❖ با توجه به مطالبی که گفته شد به نظر می‌رسد دو نکته قابل توجه است. یکی اینکه در شرایط فعلی، آینده چندان قابل پیش‌بینی نیست. یعنی «واقعیت آینده» با آنچه درباره آن پیش‌بینی می‌شود، خیلی فاصله دارد. یکی از تفاوت‌های دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم و دنیای پیش از عصر ارتباطات همین سرعت تغییرات و پیش‌بینی‌ناپذیر بودن آینده است. یعنی پیش از این ما فکر می‌کردیم نمی‌توانیم ۳۰ یا ۴۰ سال آینده را پیش‌بینی کنیم و تحولات جدیدی اتفاق می‌افتد که توان رصد آن‌ها و مدیریت آن‌ها را نداریم. اما الان به نظر می‌رسد ما حتی ۵ سال یا ۲ سال دیگر را هم نمی‌توانیم تحلیل و پیش‌بینی کنیم و مطمئن باشیم که مثلاً در ۲ سال آینده قرار است چه اتفاقاتی بیفتد. به نظر می‌رسد که ما ناچار به آینده‌سازی مداوم هستیم. دومین نکته که می‌خواهم به آن اشاره کنم مساله اندیشیدن به آینده است آن هم از نگاه دین. گاهی اوقات دین‌داران فکر می‌کنند که پیش‌بینی آینده خلاف نگاه توحیدی است. تصور آن‌ها این است که وقتی شما ادعا می‌کنید آینده را می‌سازید، مشیت و اراده خداوند را کنار گذاشته‌اید. اما نگاه دین به تفکر و همین‌طور پیش‌بینی آینده متفاوت است. آیات و روایات زیادی درباره تفکر و

اندیشیدن به موضوعات مختلف داریم. مثلاً خداوند در سوره انفال می‌فرماید «بدترین موجودات در عالم آن‌هایی هستند که کر و کورند و فکر نمی‌کنند». در نگاه قرآن انسان‌ها تشویق شده‌اند که فکر کنند و کسانی که به آینده فکر نمی‌کنند و به حال یا گذشته چسبیده‌اند، توانایی ورود به آینده را ندارند.

- خوب برگردیم به بحثمان درباره این کتاب. کتاب دورنما به چشم‌انداز شغلی و برنامه‌ریزی شغلی می‌پردازد. هدفش کمک به کسانی است که می‌خواهند آینده شغلی مطلوب را برنامه‌ریزی کنند. قبل از همه از ساختار کتاب بگویم. کتاب دورنمای ۱۳۹۳ به شکل یک قصه یا روایت شروع می‌شود. این سبک نوشته باعث می‌شود خوانندگان شوق بیشتری برای خواندن کتاب پیدا کنند. نکته دیگر اینکه این، یک کتاب نظری با سطح علمی بالا نیست که مخاطب خاص داشته باشد. این کتاب مخاطب عام دارد و فرض ما این است که کسی که کتاب را باز می‌کند ممکن است با برخی از مفاهیم علمی مطرح شده آشنا نباشد. اگرچه مطالب کتاب اساس و بنیان کاملاً علمی دارد، اما به زبان ساده و کاربردی نوشته شده است که برای همه، با هر سطح سواد و معلومات قابل استفاده باشد. قصه از اینجا شروع می‌شود که در جامعه همه پدر و مادرها به آینده شغلی فرزندان خود فکر می‌کنند و خیلی از آن‌ها هم می‌خواهند فرزندانشان در آینده شغلی داشته باشند که روزی آرزوی خود آن‌ها بوده است. وقتی از آن‌ها پرسید دوست دارند فرزندشان چکاره شود، از یک یا چند شغل اسم می‌برند؛ مثلاً می‌گویند جراح، خلبان، و امثال آن. در واقع آن‌ها در فکر عملی کردن آرزوهای خودشان برای آینده فرزندان خود هستند.

○ در خصوص انتخاب شغل همانگونه است که اشاره شد. گاهی فرزندان تحت تأثیر اندیشه و کردار پدر و مادرشان شغل خود را انتخاب می‌کنند و در نهایت هم همان چیزی می‌شوند که پدر و مادر می‌خواهند، نه آنچه که خودشان می‌خواهند. این در حالی است که کار باید بر اساس توانمندی‌ها و علائق هر فرد باشد. انسان، با کار خودش را کشف می‌کند و به قول استاد شهید مطهری انسان‌ها باید قبل از هر چیز خودشان را کشف کنند و بشناسند. انسان وقتی کار مورد علاقه و استعدادش را پیدا کند ذوق و شوق عجیبی به دست می‌آورد. آنوقت است که شاهکارها به وجود می‌آیند؛ چرا که شاهکارها ساخته عشق است؛ نه پول و درآمد.

• بله من هم می‌خواستم به همین نکته اشاره کنم. در تأیید دیدگاه شما به نظر می‌رسد

ما باید به بحث توانمندسازی انسان‌ها پردازیم طوری که آنقدر قدرت داشته باشند که ظرفیت‌های وجودی خود را بشناسند و آینده خود را طبق این ظرفیت‌ها بسازند. اگر این آینده دقیقاً همان چیزی باشد که ظرفیت وجودی آن‌ها و علاقه‌ی آن‌ها در آن است، هیچ‌وقت پشیمان نمی‌شوند و نمی‌گویند اگر به گذشته برگردم، مسیر دیگری را انتخاب می‌کنم. در انتخاب رشته تحصیلی هم وضع به همین شکل است. الان خیلی از انتخاب رشته‌ها براساس توانایی‌ها و علائق افراد نیست، دانش‌آموزان فقط می‌خواهند به هر شکل شده به دانشگاه راه پیدا کنند و کاری به علاقه خود ندارند. اگر افراد توانمند شوند، قدرت تشخیص آن‌ها هم بالا می‌رود و می‌توانند خود را خوب بشناسند و برای آینده شغلی خود برنامه‌ریزی کنند.

❖ بله درست است در تأیید این مطالب من به دو روایت اشاره می‌کنم. یکی از پیامبر اکرم (ص) که فرمودند «خدا رحمت کند پدر و مادری را که به فرزندانشان در دین‌داری کمک کنند» و در ادامه می‌افزایند «منظور این است که استعدادهای فرزند خود را بشناسند و بیش از توانایی فرزندشان از او چیزی نخواهند». به نظر من این یک روایت راهبردی است برای طراحی آینده، چه برای پدر و مادرها، چه مدیران و چه حاکمان جامعه. بعد از آن پیامبر اکرم (ص) فرمودند مردم مثل سنگ‌های طلا و نقره هستند که باید از هرکس بنا بر تعریفی که دارد، خواست. از طلا نمی‌شود خواست نقره شود و از نقره نمی‌شود خواست طلا شود. من فکر می‌کنم اولین قدم در طراحی آینده شغلی آن است که انسان بتواند توانایی‌های خود را تشخیص دهد و پدر و مادر و جامعه و نظام آموزش و پرورش به او در این راه کمک کنند و این چیزی است که الان در خانواده‌ها و آموزش و پرورش مورد غفلت قرار گرفته است. یعنی تصور ما این است که همه آدم‌ها شبیه هم هستند و همه باید مثل هم بشوند. دومین روایت مهمی که می‌خواهم بگویم این است. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «فرزندان خود را مجبور نکنید آداب زندگی شما را رعایت کنند». البته ما زیاد شنیده‌ایم که فرزندانتان را طوری تربیت کنید که برای آینده آمادگی داشته باشند. اما آنچه امیر مؤمنان در این روایت می‌فرمایند به مراتب قابل توجه‌تر و پیچیده‌تر است. حضرت می‌فرمایند که فرزندان شما برای زمانی غیر از زمان شما خلق شده‌اند، پس نباید آداب زمان شما را رعایت کنند. واقعیت آینده غیر از واقعیت امروز است. افراد در آینده به کنش‌ها و رفتارهای کاملاً متفاوتی نیاز دارند. در یک کلام ما باید فرزندانمان را برای آینده تربیت کنیم و نه امروز.

- خوب همانطور که گفته شد ما باید فرزندانمان را برای آینده تربیت کنیم و به آنها کمک کنیم شغل مناسب خود را بر اساس توانمندی و علائق خود انتخاب کنند، اما موضوع به اینجا ختم نمی‌شود. فرض کنیم فرزند ما بخواهد جراح شود، خوب خیلی خوب است، اما آیا می‌دانیم که اصلاً در آینده شغل جراحی وجود دارد یا نه؟ و یا اگر هست به شکل فعلی آن است یا به شکل دیگری؟ یا مثلاً در آینده قرار است چند نفر خلبان یا راننده مترو شوند؟ فضای آینده و مشاغل آینده ممکن است خیلی با امروز متفاوت باشد پس ما به یک شناخت از آینده نیاز داریم. باید بدانیم در آینده چه مشاغلی رواج دارند و چه مشاغلی احتمالاً حذف می‌شوند.

○ بله وقتی ما آینده‌اندیشی را به بحث مشاغل پیوند می‌دهیم، به این معناست که بسیاری از مشاغل سنتی از بین خواهند رفت و مشاغل جدیدی جای آنها را خواهند گرفت. مثلاً مشاغل، بیشتر ماشینی خواهند شد. بر این اساس خواسته یا ناخواسته باید به سوی کسب مهارت‌هایی برویم که قابل ماشینی شدن نیستند مثل خلاقیت. به نظرم در بحث مشاغل اول باید یک تصویری از مشاغل آینده داشته باشیم و ببینیم چه تغییراتی روی مشاغل اثر می‌گذارند. باید به جوانان یک شناخت اولیه بدهیم و گوشزد کنیم که تغییرات زیادی در راه است. آنها باید یاد بگیرند درباره آینده فکر کنند، مطالعه و تحقیق کنند و بعد تصمیم بگیرند و شغل آینده خود را انتخاب کنند.

- شتاب تغییرات فناوری و اهمیت آنها، سبب می‌شود برخی مشاغل جای خود را به مشاغل جدید بدهند. مثلاً فناوری‌های جدید پزشکی، نوع کار پزشکان و پرستاران را تغییر می‌دهد. خیلی از خدمات ممکن است از راه دور و بدون حضور پزشک به بیمار ارائه شود. الان فناوری یک موضوع اساسی است که فکر افراد و تصمیم‌گیری آنها را تحت الشعاع قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد توسعه فناوری‌ها نقشی اساسی در مشاغل آینده خواهند داشت.

○ به نظر من مهم‌ترین تفاوت دنیای امروز با آینده همین سرعت تحولات تکنولوژی است و این تغییر و تحول اساساً یک تحول کلی و جامع است که روی همه چیز تأثیر می‌گذارد. شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی چهره آموزش و تعامل میان معلم و شاگرد را به کل دگرگون می‌کنند و این در برخی کشورها از همین الان رخ داده است. آموزش آنلاین در آینده ابزار قدرتمندی خواهد بود که تحولات بسیاری

را در همه جنبه‌های یادگیری و آموزش موجب خواهد شد. خیلی از واقعیت‌های علمی و عملی دنیای امروز تا چند سال قبل فقط ایده‌ای برای تولید فیلم‌های علمی تخیلی بود. اما روندی که اکنون شاهد آن هستیم به این معناست که کاربرد فناوری در آینده، زمینه‌های گسترده‌ای را در بر خواهد گرفت و بر این اساس با توجه به نیازهایی که در سطح جامعه مطرح می‌شود و فناوری‌هایی که به وجود می‌آید، مشاغلی از نوع دیگر در جامعه آینده تعریف می‌شود. مثلاً شهرها هوشمند می‌شوند بدین معنا که خودروهای بدون راننده و خانه‌های هوشمند از نهادهای اصلی شهرهای آینده خواهند بود و بدیهی است که برای مدیریت و نظارت بر این روند، ما به موقعیت‌های شغلی جدید نیاز داریم. و انسان‌ها به عنوان نیروی متخصص، مسئولیت انجام امور را در سطح بالاتری عهده‌دار خواهند بود.

❖ از نظر من مشاغل اساساً بر اساس نیازها شکل می‌گیرند. نیازهای اجتماعی انسان‌هاست که یک سری مشاغل را ایجاد می‌کند و فناوری خیلی اوقات فقط شکل مشاغل را تغییر می‌دهد، نه واقعیت آن‌ها را. واقعیت نیاز بشر تغییر نمی‌کند. نیازهای بشر طوری نیست که بگوییم امروز هست و فردا نیست. در دوره سنتی بوده و در دوره مدرن نیست. تا وقتی بشر هست، نیازهای بشری هم هست. در واقع نیاز بشر تغییر نمی‌کند، بلکه نحوه پرداختن به آن عوض می‌شود. مثلاً امروز بازی رایانه‌ای هست و دیروز نبود. اما نیاز به تفریح و بازی همیشه بوده و خواهد بود. پس برای پیش‌بینی مشاغل آینده ما باید اول به نیازهای بشر توجه کنیم و بعد بدانیم که با توانمندی و استعدادهایی که داریم کدام نیاز آینده را می‌توانیم برآورده کنیم و به درد کدام شغل می‌خوریم؟ توجه به نیازها سبب می‌شود برخوردی فعالانه با فناوری داشته باشیم، نه برخوردی منفعل. در واقع به جای آنکه فناوری ما را در اختیار بگیرد، ما فناوری را در اختیار می‌گیریم. اگر ما توجه خود را به جای پرداختن به نیازهای واقعی بشر در آینده، به سمت رؤیایها و روندها معطوف کنیم، دچار اشتباه و سر در گمی می‌شویم

• بحث‌های آینده و آینده‌پژوهی با وجودی که در دنیا و حتی اگر برگردیم به ریشه دینی - اعتقادی خودمان، بحث جدیدی نیست، اما در کشور ما این موضوع هنوز خیلی جدید است، یعنی آنطور که باید به آن می‌پرداختیم، نپرداختیم. مثلاً سازمان صدا و سیما با وجودی که مجموعه مهم و منحصر به فردی است از این دانش

چندان که باید، استفاده نکرده است. این کتاب، تا جایی که من دیدم، مخاطب عام دارد و سعی کرده مفاهیم آینده و آینده‌پژوهی را به زبان ساده توضیح دهد و بخشی را هم به مشاغل آینده پرداخته است و در واقع نوعی کتاب آموزشی است و ما هم یک نهاد آموزشی هستیم و آموزش همگانی جز وظایف ذاتی مرکز آموزش صدا و سیماست. به نظر من همه باید درباره آینده‌پژوهی و مشاغل آینده مطالبی را بدانند تا از آن لاقفل به عنوان یک ابزار برای حل مسائل خود استفاده کنند. البته من معتقدم که آینده‌پژوهی خیلی فراتر از یک ابزار است. خیلی اساسی‌تر و بنیادی‌تر است و ارزش‌هایی در آن نهفته که می‌تواند واقعاً تحول ایجاد کند. کسی که به دانش آینده‌پژوهی مسلح باشد، واقعاً متفاوت از دیگران تصمیم می‌گیرد و می‌تواند تحول ایجاد کند. مطالعه آینده می‌تواند شرایط امروز ما را تغییر دهد و ما را جلو ببرد، به سمت یک پله بالاتر. اگر انسانی را آنقدر توانمند کنیم که توان چشم‌اندازسازی داشته باشد، خیلی کار بزرگی کرده‌ایم. بخصوص ما می‌توانیم روی کودکان خود سرمایه‌گذاری کنیم و با آموزش طوری برنامه‌ریزی کنیم که نسل آینده بتوانند ظرفیت‌هایشان را بشناسند و چشم‌انداز خود را ترسیم کنند و چگونگی رسیدن به آن را یاد بگیرند.

○ من هم دقیقاً همین اعتقاد را دارم. به نظر من وقتی ما صحبت از چشم‌انداز فردی می‌کنیم با همین مختصاتی که اشاره شد و با همان ادبیاتی که در کتاب به کار گرفته شده، بیشتر به اهمیت آن و تأثیرات منفی فقدان آن پی می‌بریم. به نظر می‌رسد که چشم‌انداز فردی همان بصیرتی است که از نعمت بینایی مهم‌تر است و به تعبیری هیچ کار بزرگ یا ارزشمندی روی زمین نمی‌تواند از سوی کسی انجام شود، مگر اینکه او در گام اول دارای چشم‌انداز فردی باشد. هر فردی با داشتن چشم‌انداز فردی به نوبه خود پتانسیل آن را دارد که به عنوان یک رهبر بصیر و قدرتمند در ساخت تمدن و رشد و توسعه خود و پیرامونش سهم باشد. جهان امروز ما به شدت نیازمند چشم‌انداز است. فردی که مثلاً می‌خواهد یک سازمان را بسازد یا اداره کند اگر خودش با چشم‌انداز فردی بیگانه باشد و در زندگی خود چشم‌اندازی نداشته باشد و انسان متحیری باشد، علاوه بر تحقیر، به ناامیدی و سرخوردگی هم مبتلا می‌شود و نمی‌توان از چنین افرادی انتظار داشت که در نسل خود تفاوتی پدید آورند و هدف‌های خود را جامه عمل بپوشانند. بر این اساس چشم‌انداز فردی موضوع مهمی است و باید در ایجاد ادبیات مرتبط با آن

حتی اگر در سطح خیلی ویژه و دلخواه‌مان نباشد، در حد خودمان کمک کنیم.

❖ هر سه مجموعه‌ای که از چاپ این کتاب حمایت کرده‌اند، خصوصیات مشترکی دارند و آن اینکه روی گروه‌های مرجع، اثرگذار هستند. یعنی روی گروه‌هایی که توان تغییر را در فضای اجتماعی دارند. مثلاً مرکز آموزش صدا و سیما، با تهیه‌کنندگان و مدیران رسانه در ارتباط است که اگر آن‌ها با اندیشه آینده‌پژوهی و چشم‌انداز آشنا شوند، می‌توانند آن را در برنامه‌های‌شان منعکس کنند و این برنامه‌ها هم به طور غیرمستقیم در فرهنگ مردم تأثیر دارد. از سوی دیگر جامعه روحانیت نیز یکی از گروه‌های مرجع است که در تغییر فرهنگ مردم، اثر واضح و آشکاری دارند. اگر ما بتوانیم واقعاً نگاه به آینده، آینده‌پژوهی و ترسیم و ساخت آینده را در فضای طلبگی و روحانیت مستقر کنیم، به طور غیرمستقیم روی مردم تأثیر دارد. دومین نکته این است که ما در بحث چشم‌انداز ادبیات نظری ضعیفی داریم. بنابراین طبیعی است که تولید ادبیات نظری در این حوزه ارزشمند است. به نظر من هر بخش از این کشور که در این حوزه کمک کند، البته مرتبط با هدف‌ها و مأموریت خودش، کتاب چاپ کند، کنفرانس ترتیب دهد و به هر شکل بتواند ادبیات نظری تولید کند، ارزشمند است. دفتر تبلیغات به عنوان نماد روشنفکری دینی، مباحث مهم و جدید و سودمندی را به مردم معرفی می‌کند. مساله آینده برآمده از دین است «یا ایها الذین امنوا لقد» این «لقد» یعنی آینده، یعنی تأمل کنید که چه دارید می‌فرستید برای آینده خودتان. قبلاً این لقد را قیامت معنا کردند، اما لقد معنای گسترده‌تری دارد و به معنای فرداست.

درباره کتاب

این کتاب از دو بخش تشکیل شده است. بخش نخست که بخش تالیفی کتاب است، به مفاهیم پایه در حوزه آینده‌پژوهی و چشم‌انداز می‌پردازد. در پیشگفتار و فصل اول و دوم، نویسنده با بیانی ساده، جذاب و در قالب یک گفتگوی دوستانه، خوانندگان را با بحث آینده‌اندیشی در زمینه شغلی آشنا می‌کند. هدف از آوردن این دو فصل در ابتدای کتاب، ایجاد انگیزه و اشتیاق کافی در خوانندگان برای پیگیری ادامه بحث است. مطالعه این دو فصل به خواننده نشان می‌دهد که برای برنامه‌ریزی شغلی، مسیر دشواری را پیش رو دارد و باید بیشتر به آینده و تحولات آن فکر کند. در فصل ۹ و ۱۰، مفاهیم پایه «آینده‌پژوهی»، «آینده‌پژوهی فردی»، و همچنین «چشم‌انداز شغلی» با

بیانی ساده تشریح می‌شود. مطالعه این دو فصل برای کسانی که با مفهوم علمی و دقیق آینده‌پژوهی و چشم‌انداز آشنا نیستند، مهم و ضروری است و کسانی که از قبل در این زمینه مطالعه کافی دارند، می‌توانند این دو فصل را کنار بگذارند. اما آشنایی با این مفاهیم پایه برای «برنامه‌ریزی شغلی» کافی نیست. در کنار آن باید بدانیم چه تحولاتی در دنیای مشاغل و کسب‌وکارها در حال وقوع است و مشاغل آینده به چه مهارت‌هایی نیاز دارند. بخش دوم کتاب شامل مجموعه مقالاتی است که روندهای جهانی مربوط به مهارت‌های آینده و نیز مشاغل آینده را به بحث می‌گذارد. مطالعه این مقالات ذهن شما را نسبت به تحولات آینده روشن می‌کند و سرنخ‌های اولیه را برای ادامه مطالعات در اختیار شما می‌گذارد. البته در کنار این بخش، باید به منابع معتبر داخلی هم مراجعه کنید تا با روندهای کسب‌وکار و مشاغل در داخل کشور هم بیشتر آشنا شوید.

تقدیر و تشکر

در انتها جا دارد از همکارانی که در آماده‌سازی کتاب مشارکت داشتند، تشکر کنیم. پیشگفتار و فصل‌های ۱ و ۲ و ۳ را استاد ارجمند آقای عقیل ملکی‌فر با زبانی شیوا و مورد پسند جوانان نوشته‌اند. خانم فرخنده ملکی‌فر هم ترجمه فصل ۵ (مشاغل آینده) را انجام داده‌اند. تألیف فصل ۸ و ۹ و ۱۰ (الفبای آینده‌پژوهی فردی، چشم‌انداز شغلی و مهارت‌های پایه‌ای) و ترجمه فصل ۴ و ۶ و ۷ هم بر عهده خانم مرضیه فخرایی بوده است. خانم سحر چکاوک هم مسئولیت مهم گردآوری و آماده‌سازی کتاب را بر عهده داشتند. تلاش‌های جناب آقای عبدالرضا عالی‌زاده به عنوان ناظر علمی کار نیز، شایسته تشکر ویژه است. از همه این همکاران صمیمانه سپاسگزاریم و برای آن‌ها و همین‌طور همه آحاد جامعه اسلامی دل توجهات حضرت ولیعصر (عج) آرزوی سعادت و موفقیت داریم.

مهدی حاجی سیاری
رئیس مرکز آموزش
سازمان صدا و سیما

علی صادق مقدسی
رئیس مرکز تحقیقات
سازمان صدا و سیما

محمد شیخ‌الاسلامی
رئیس نمایندگی تهران
دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم